

رویکرد احتمالی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران: تحلیل و

پیش‌بینی‌ها

حسین همتی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

چکیده

سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ تحت تأثیر رویکرد «فشار حداکثری» قرار داشت که بر اساس تحریم‌های اقتصادی گسترده، کاهش تعاملات دیپلماتیک و تقویت ائتلاف‌های ضدایرانی در سطح بین‌المللی استوار بود. مقاله حاضر به تحلیل و پیش‌بینی رویکرد احتمالی دولت دوم ترامپ می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که با توجه به سیاست‌های گذشته دولت ترامپ و تحولات داخلی و بین‌المللی، چه رویکردهایی ممکن است از سوی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شود؟ فرضیه اصلی مقاله این است که دولت دوم ترامپ احتمالاً سیاست‌های مشابه دوره اول خود را در قبال ایران، به‌ویژه در زمینه تحریم‌ها، فشار حداکثری و محدودسازی توافقات دیپلماتیک ادامه خواهد داد، اما با توجه به شرایط جدید منطقه‌ای و جهانی، تغییرات استراتژیک و تاکتیکی نیز محتمل خواهد بود. این پژوهش باهدف پیش‌بینی رویکردهای آتی دولت ایالات متحده در قبال ایران، به بررسی جامع عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری در این حوزه می‌پردازد. در این راستا، سیاست‌های پیشین دولت آمریکا، نظرات و تحلیل‌های اندیشکده‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی این کشور، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط، و همچنین متغیرهای داخلی ایران و ایالات متحده مورد تحلیل قرار می‌گیرند. روش تحقیق در این پژوهش کیفی از نوع تحلیلی، با استفاده از منابع مختلف کتابخانه‌ای، مقالات، سایت‌های اینترنتی... است.

کلید واژه‌ها: ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران، دولت دوم ترامپ، سیاست فشار حداکثری.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

همتی، حسین (زمستان ۱۴۰۳). «رویکرد احتمالی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران: تحلیل و پیش‌بینی‌ها». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هفتم، شماره ۴، پیاپی ۲۸، صص ۱۷۲-۱۴۵.

^۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. ایمیل: h.hemmati96@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

عرصه روابط بین‌الملل بوده است. این موضوع به دلیل تأثیر گسترده آن بر ثبات خاورمیانه، امنیت بین‌المللی، و اقتصاد جهانی، توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. در این میان، رویکرد دولت دونالد ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری (۲۰۱۶-۲۰۲۰) با خروج از برجام، اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی، و اتخاذ سیاست فشار حداکثری علیه ایران، نقطه عطفی در این رابطه محسوب می‌شود.

با توجه به پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ و تشکیل دولت دوم او، این سؤال مطرح می‌شود که آیا سیاست‌های او در قبال جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد یافت یا شاهد تغییراتی در این رویکرد خواهیم بود؟ از آنجا که تصمیمات دولت دوم ترامپ می‌تواند پیامدهای جدی برای ایران، منطقه خاورمیانه و نظام بین‌المللی داشته باشد، تحلیل و پیش‌بینی سیاست‌های احتمالی او در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

این مقاله با هدف بررسی و پیش‌بینی رویکرد احتمالی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است. برای دستیابی به این هدف، از تحلیل‌های سیاسی و نظریه‌های روابط بین‌الملل بهره گرفته می‌شود. همچنین، با بررسی مبانی و عملکرد گذشته ترامپ در این زمینه و تحلیل عوامل کلیدی تأثیرگذار در رویکرد دولت او، به همراه ارزیابی شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه و جهان، تلاش می‌شود تصویری جامع از سناریوهای محتمل ارائه گردد.

سئوالات کلیدی که این پژوهش به دنبال پاسخ دادن به آن‌هاست عبارتند از: آیا دولت دوم ترامپ سیاست فشار حداکثری علیه ایران را ادامه خواهد داد؟ آیا امکان بازگشت به مذاکرات و توافق جدیدی با ایران وجود دارد؟ و چه عواملی می‌توانند در شکل‌گیری سیاست‌های او تأثیرگذار باشند؟ در این مقاله، با استفاده از چارچوب نظری نئورئالیسم کلاسیک در روابط بین‌الملل و تحلیل کیفی اسناد و منابع موجود، تلاش خواهد شد تا پاسخ‌هایی مبتنی بر داده‌های معتبر و استدلال‌های منطقی ارائه شود. این پژوهش با شناسایی خला‌های موجود در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه و بررسی شرایط کنونی، به دنبال ارائه تحلیلی نوآورانه و مبتنی بر شواهد است که بتواند برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران مفید باشد.

۲. پیشینه سیاست‌های دولت ترامپ در قبال ج.ا. ایران (۲۰۱۶-۲۰۲۰)

ترامپ از نخستین روزهای مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری خود، رویکردی خصمانه علیه ایران اتخاذ کرد و شدیدترین انتقادات را متوجه توافق هسته‌ای ایران (برجام) ساخت. او دولت اوباما را به دلیل ناتوانی در ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای شرکت‌های آمریکایی در ایران و همچنین

عدم گنجانیدن نظارت بین‌المللی بر فعالیت‌های موشکی ایران در این توافق به‌شدت مورد انتقاد قرار داد. ترامپ برجام را یک توافق بد توصیف کرده و در کارزارهای انتخاباتی خود وعده داد که در صورت پیروزی در انتخابات، از این توافق خارج خواهد شد. وی همچنین اعلام کرد که با اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، ایران را مجبور به پذیرش خواسته‌های آمریکا خواهد کرد. در ادامه، ترامپ با مشورت تیم امنیت ملی خود، استراتژی جدیدی را در قبال ایران پذیرفت که توسط کاخ سفید در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۷ منتشر شد. این سند المان‌های اصلی استراتژی ترامپ در قبال ایران را به تفصیل ارائه می‌دهد. در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۱۶-۲۰۲۰)، سیاست خارجی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران با تغییرات اساسی همراه بود. ترامپ با خروج از توافق هسته‌ای (برجام) و آغاز کارزار "فشار حداکثری"، مسیری متفاوت از دولت پیشین را دنبال کرد. این سیاست‌ها که با تحریم‌های شدید اقتصادی، انزوای دیپلماتیک ایران و اقدامات نظامی پرتنش همراه بود، به‌منظور تغییر رفتار جمهوری اسلامی و محدود کردن نفوذ منطقه‌ای آن طراحی شده بود. در این مقدمه، به بررسی کلی این سیاست‌ها و پیامدهای آن‌ها پرداخته خواهد شد.

۲-۱. خروج از برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) ۲۰۱۸

دولت ترامپ در ماه مه ۲۰۱۸ از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در سال ۲۰۱۵ بین ایران و قدرت‌های جهانی به امضا رسیده بود، پس از گذشت حدود ۳۴ ماه، در روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ (مطابق با ۸ می ۲۰۱۸) خارج شد. ترامپ براین باور بود که برجام یک توافق «ناقص» است که رفتار منطقه‌ای ایران را مهار نمی‌کند و شامل برنامه موشکی ایران نمی‌شود. براین اساس «استیو مانوشین»^۱ وزیر خزانه‌داری آمریکا چند ساعت پس از اعلام تصمیم ترامپ برای خروج از برجام در جمع خبرنگاران حاضر شده و نحوه بازگشت تحریم‌های ایران را تشریح کرد. وی از احیای بلافاصله تحریم‌های ایران خبر داده و اعلام کرد (Secretary Statements & Remarks, 2018). لیکن در تاریخ‌های یادشده، این مواضع به‌طور عملی اجرا شد و تحریم‌های مذکور اعمال گردید.

۲-۲. کارزار فشار حداکثری

کارزار فشار حداکثری بخشی از سیاست خارجی دولت ترامپ بود که در مه ۲۰۱۸، با خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) آغاز شد. این سیاست شامل بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه ایران و اعمال محدودیت‌های شدید بر صادرات نفت، دسترسی به منابع مالی بین‌المللی و فعالیت‌های اقتصادی کشور بود. هدف اصلی این کارزار، وادار کردن ایران به پذیرش

^۱. Steven Munchin

توافقی جامع‌تر از برجام بود که نه‌تنها برنامه هسته‌ای، بلکه مسائل مرتبط با توسعه موشک‌های بالستیک و نفوذ منطقه‌ای ایران را نیز پوشش دهد. ترامپ و تیم او، ازجمله مایک پمپئو و استیون منوچین، تأکید داشتند که این فشارها باید رفتار ایران را تغییر داده و آن را به میز مذاکره بازگرداند.

جدول شماره ۱: ابعاد کارزار فشار حداکثری

بعد کارزار	توضیحات	پیامدها
وضع تحریم‌های اقتصادی	اعمال تحریم‌های گسترده بر بخش‌های مختلف اقتصاد ایران، ازجمله انرژی، بانکداری، و فروش نفت. هدف: فلج کردن اقتصاد ایران و ایجاد فشار بر حکومت برای تغییر سیاست‌ها.	کاهش شدید درآمدهای نفتی، افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی، بحران معیشتی مردم، تشدید نارضایتی‌های اجتماعی.
کمک به افزایش توانمندی‌های نظامی هم‌پیمانان آمریکا	افزایش فروش تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه، تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه، برگزاری مانورهای نظامی مشترک. هدف: ایجاد توازن نظامی در منطقه و افزایش هزینه هرگونه اقدام نظامی ایران.	افزایش توان دفاعی کشورهای منطقه در برابر تهدیدات ایران، ایجاد بازدارندگی بیشتر، تقویت نفوذ آمریکا در منطقه.
شکل دادن به ائتلاف منطقه‌ای در برابر جمهوری اسلامی ایران	ایجاد ائتلاف‌های سیاسی و نظامی با کشورهای منطقه، ازجمله کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، برای مقابله بانفوذ ایران. هدف: منزوی کردن ایران در منطقه و کاهش حمایت‌های منطقه‌ای از آن.	افزایش فشار دیپلماتیک بر ایران، کاهش حمایت‌های منطقه‌ای از ایران، تقویت موقعیت آمریکا در منطقه.

رجوع شود: (کمالی و بصیری، ۱۴۰۱: ۳۳-۲۹)

به‌طور واضح در دوره اول ریاست جمهوری، رویکرد ترامپ به خاورمیانه دو هدف اصلی را در اولویت قرار داد. تقویت روابط با متحدان کلیدی و تنظیم مجدد تعامل ایالات متحده برای همسویی با دستور کار واضح «اول آمریکا». دستاورد بزرگ دولت او، توافق ابراهیم، با عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و چندین کشور عربی، ازجمله امارات، بحرین، مراکش و سودان، یک پیشرفت تاریخی را رقم زد. درحالی‌که دولت‌های قبلی ایالات متحده بر حل‌وفصل مناقشه اسرائیل و فلسطین به‌عنوان دروازه‌ای برای ثبات منطقه تمرکز کرده بودند، ترامپ فیلمنامه را تغییر داد. او با کنار گذاشتن موضوع فلسطین و تمرکز بر منافع مشترک امنیتی و اقتصادی، به‌ویژه در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای، دوره جدیدی از همکاری‌های منطقه‌ای را تسهیل کرد که از دید اسلاف او دورمانده بود (کلانتری، ۱۴۰۳).

بنابراین در همین راستا در ژانویه ۲۰۲۰، سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، در حمله پهپادی آمریکا در بغداد به شهادت رسید. دونالد ترامپ این اقدام را دفاعی دانسته و آن را تلاشی برای جلوگیری از تهدیدات ایران علیه نیروهای آمریکایی توجیه کرد. این رویداد به

افزایش تنش‌های نظامی میان ایران و آمریکا انجامید و حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی (عین الاسد) در عراق را در پی داشت. همچنین ترامپ باهدف منزوی کردن ایران در صحنه بین‌المللی، به کشورهای اروپایی فشار آورد تا از برجام خارج شوند و روابط نزدیک‌تری با کشورهای عربی مخالف ایران، مانند عربستان و امارات، برقرار کند. پیامد این سیاست‌ها گسترش روابط اسرائیل با کشورهای عربی از طریق توافقات «صلح ابراهیم»^۱ درمجموع سیاست‌های ترامپ در این دوره بر محور «فشار حداکثری» و تلاش برای تغییر رفتار ایران طراحی شده بود.

۳. چارچوب نظری

باتوجه به پیروزی دولت ترامپ در مبارزات انتخاباتی (۲۰۲۴) و انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، تحلیل سیاست‌های دولت جدید دونالد ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران و خاورمیانه، پیش از آغاز رسمی دوران ریاست‌جمهوری، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا می‌توان از چارچوب‌های نظری زیر استفاده کرد که هر یک ابعاد متفاوتی از این سیاست‌ها را روشن می‌سازد.

رنالسیسم نئوکلاسیک به‌عنوان یکی از شاخه‌های تکامل‌یافته نظریه واقع‌گرایی، تلاش می‌کند تا نارسایی‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نوواقع‌گرایی را در تبیین سیاست خارجی برطرف کند. این نظریه ضمن تأکید بر ساختار نظام بین‌الملل، اهمیت قابل‌توجهی برای ویژگی‌های داخلی دولت‌ها، شامل نوع حکومت، نخبگان سیاسی، و برداشت‌های رهبران از تهدیدها قائل است. درواقع این نظریه سیاست خارجی را بر اساس ترکیبی از عوامل سیستمی (ساختار بین‌الملل) و عوامل داخلی (ادراک نخبگان سیاسی، ویژگی‌های داخلی دولت‌ها) تحلیل می‌کند. این نظریه تأکید می‌کند که سیاست خارجی نه‌تنها به توزیع قدرت جهانی، بلکه به شیوه‌ای که رهبران سیاسی تهدیدات و فرصت‌ها را ادراک می‌کنند، وابسته است. ازاین‌رو، این چارچوب نظری ابزاری مناسب برای تحلیل سیاست‌های احتمالی دولت ترامپ ۲۰۲۴ در قبال جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.

۴. نظریه نئورنالیسم کلاسیک^۲

نظریه نئورنالیسم کلاسیک یکی از جریان‌های مهم در نظریه‌های روابط بین‌الملل است که تلاش می‌کند تا با تلفیق دیدگاه‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نوین، درک جامع‌تری از روابط بین

^۱. Abraham Accords

^۲. Neoclassical Realism

دولت‌ها ارائه دهد. این نظریه، به‌ویژه بر روی عوامل ساختاری نظام بین‌الملل و تأثیر آن‌ها بر رفتار دولت‌ها تمرکز دارد.

تئوری نئو واقع‌گرایی^۱ در دهه ۱۹۸۰م توسط «کنت والتز»^۲ در کتاب «تئوری سیاست بین‌الملل»^۳ ۱۹۷۹ میلادی مطرح شد. او با اتخاذ بسیاری از مفروضه‌های تئوری واقع‌گرایی کلاسیک، به ارائه تبیینی ساختاری از رفتار بازیگران در محیط آنارشیک بین‌الملل اقدام نمود. والتز به دنبال پاسخ این پرسش بود که چرا بازیگران در محیط بین‌الملل باوجود تفاوت در ابعاد مختلفی همچون سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک و... رفتاری مشابه از خود بروز می‌دهند؟ پاسخی که والتز به این پرسش می‌دهد نگاهی جدید را وارد عرصه تحلیل پویای رفتار بازیگران می‌نماید.

تئوری واقع‌گرایی نئوکلاسیک برداشتی نو و تازه از نواقع‌گرایی والتز است. این تئوری که توسط گیدئون رز^۴ به مجموعه آثاری به قلم توماس کریستنسن^۵، راندال شوئلر^۶، ویلیام وولفورت^۷، و فرید زکریا^۸ در روابط بین‌الملل داده‌شده است، در تبیین روابط بین‌الملل از بسیاری از مؤلفه‌های واقع‌گرایی استفاده می‌کند؛ مؤلفه‌هایی همچون آنارشی، تأثیر ساختار بر کارگزار، نقش قدرت و جایگاه آن در اتخاذ رفتار، منافع ملی، بقاء، امنیت و... گیدئون رز براین باور است که نوشته‌های این محققین مکتب منسجمی برای تئوری‌های سیاست خارجی ایجاد می‌کند (Taliaferro, 2009: 7). بنابراین نئوکلاسیک‌ها نیز همانند کنت والتز به ارائه تبیینی ساختاری و سیستمیک از روابط بین‌الملل اقدام می‌نمایند. توجه واقع‌گرایان نئوکلاسیک بیش از هر چیز بر قدرت است و قدرت را نیز مانند نواقع‌گرایان بر اساس توانمندی‌های مادی تعریف می‌کنند. نئوکلاسیک‌ها همچون دیگر انواع رئالیسم براین باورند که سیاست یعنی نزاع دائمی میان دولت‌های مختلف به‌منظور دستیابی به قدرت مادی و امنیت در جهانی از منابع کمیاب است (برزگر، ۱۳۸۸: ۱۵). در حقیقت می‌توان گفت که واقع‌گرایی نئوکلاسیک صرفاً نظریه‌ای در باب سیاست قدرت‌های بزرگ نیست و قادر به تبیین رفتار سیاست خارجی قریب به اتفاق دولت‌هاست این نظریه یکپارچه نیست بلکه برنامه‌ای تحقیقاتی است که در چارچوب آن می‌توان به نظریاتی همچون نظریه عدم موازنه راندال شوولر نظریه تقلید و بسیج تالیافرو و نظریه استقلال ساختاری، ریپسمن (...)، اشاره کرد واقع‌گرایی نئوکلاسیک مانند سایر نظریه‌ها همچون لیبرالیسم سازه‌نگاری و واقع‌گرایی ساختاری مجموعه‌ای از مفروضه‌های عمومی است که وجه اتصال و اشتراک بین نظریه‌پردازان می‌تواند فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌هایی را و نظریه‌های مختلف بوده و هم ارائه دهند (ریپسمن و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱).

1. Neorealism

2. Kenneth waltz

3. Theory of International Politics

4. Gideon Rose

5. Thomas Christensen

6. Randall Schweller

7. William wofforth

8. Fareed zakaria

واقع‌گرایی نئوکلاسیک بر توجه به سطح سیستمی و عوامل مادی، عوامل غیرمادی و انگاره‌ها را نیز بر سیاست خارجی اثرگذار می‌داند. به مسائلی همچون ایدئولوژی، هویت و ملی‌گرایی می‌پردازد و این عوامل را بر سیاست خارجی کشورها مؤثر می‌داند. آنها برای دولت، رهبران و ترتیبات داخلی کشورها، نقش مهمی در رفتار خارجی کشورها قائل هستند. واقع‌گرایی نئوکلاسیک بر آن است که دولت‌ها تا اندازه زیادی وابسته به ترجیحات برخاسته از داخل کشور هستند (Rose, 1998).

جدول شماره ۲: سیاست‌های دولت جدید ترامپ در برابر ایران بر اساس نظریه رئالیسم نئوکلاسیک

عامل	توضیح	سیاست‌های احتمالی دولت ترامپ ۲۰۲۴
سیستم بین‌المللی و تهدیدات خارجی	فشارهای سیستم بین‌المللی بر سیاست‌های خارجی تأثیرگذار است. ایران به عنوان یک تهدید بی‌ثبات کننده و چالشی برای هژمونی ایالات متحده در منطقه دیده می‌شود.	-ادامه سیاست‌های انزوای دیپلماتیک ایران -تقویت تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی -افزایش حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس برای بازدارندگی ایران
متغیرهای داخلی و فشارهای سیاسی	فشارهای داخلی نظیر لابی‌های سیاسی (اسرائیل، عربستان)، مسائل اقتصادی و تمایلات داخلی (پایگاه رأی ترامپ) به شکل‌دهی سیاست‌های خارجی کمک می‌کنند.	-تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران -حمایت از سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال ایران -به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و نظامی -تلاش برای محدود کردن روابط اقتصادی ایران
رهبری و ادراکات ترامپ	ویژگی‌های رهبری ترامپ و ادراکات شخصی او از تهدیدات و فرصت‌ها در ایران، بر تصمیمات سیاست خارجی تأثیرگذار است. ترامپ ایران را به عنوان تهدیدی اصلی می‌بیند.	-ادامه و تقویت استراتژی فشار حداکثری -اعمال تحریم‌های بیشتر برای مهار ایران -تقویت سیاست‌های نظامی برای جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه
توازن قدرت منطقه‌ای	تلاش برای تقویت توازن قدرت به نفع متحدان منطقه‌ای ایالات متحده، به‌ویژه اسرائیل و عربستان سعودی. ایجاد جبهه ضد ایران در سطح منطقه‌ای.	-تقویت همکاری با متحدان (اسرائیل، عربستان سعودی) -ایجاد ائتلاف‌های نظامی و دیپلماتیک جدید علیه ایران -اقدامات نظامی مستقیم یا تهدید به اقدامات نظامی علیه ایران

این جدول به‌طور خلاصه چهار عامل اصلی رئالیسم نئوکلاسیک را که می‌تواند سیاست‌های دولت ترامپ در قبال ایران را تحت تأثیر قرار دهد، شرح می‌دهد و پیش‌بینی‌های احتمالی را برای سال ۲۰۲۴ ارائه می‌دهد.

۵. عوامل مؤثر بر سیاست‌های احتمالی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران

۵-۱. تجارب و رویکرد گذشته ترامپ

در دولت اول ترامپ، سیاست‌های ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران بر مبنای «فشار حداکثری» بنا شده بود. این سیاست درواقع یک رویکرد شدید و تهاجمی بود که هدف آن تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران از طریق ترکیب تحریم‌های اقتصادی و انزوای بین‌المللی بود. در ادامه به جزئیات بیشتری از این سیاست و نتایج آن پرداخته می‌شود. در دولت اول ترامپ، سیاست‌های او در قبال ایران عمدتاً بر مبنای «فشار حداکثری» بود. ترامپ از توافق هسته‌ای برجام خارج شد و تحریم‌های شدیدی علیه ایران وضع کرد. او همچنین از هرگونه مذاکره یا توافق جدید با ایران بدون پیش‌شرط‌های مشخص جلوگیری کرد.

۵-۲. اندیشکده‌های مؤثر در سیاست دولت جدید ترامپ

در طول نیم‌قرن گذشته، اندیشکده‌ها در سیاست آمریکا بسیار تأثیرگذار بودند. اما در دوره ترامپ، این نفوذ تا حدودی کاهش یافت. ترامپ به‌جای کارشناسان آکادمیک، به تاجران و افراد ثروتمند نزدیک بود و دیدگاه شخصی‌اش بر سیاست خارجی حاکم بود. افراد نزدیک به او نیز به اندیشکده‌ها به دیده شک می‌نگریستند. با این حال، بیش از ۳۰۰ اندیشکده در واشنگتن فعال‌اند که همچنان به دنبال شکل‌دهی گفتمان سیاسی هستند. در دولت ترامپ، اندیشکده‌های محافظه‌کار نفوذ بیشتری یافتند، اما میزان تأثیرگذاری آن‌ها در موضوعات مختلف با رویکردهای متفاوت به تولید محتوا و لابی‌گری می‌پردازند. با این حال برخی اندیشکده‌ها مانند شورای روابط خارجی و شورای آتلانتیک تمرکز ویژه‌ای بر ایران دارند، اما نفوذ آن‌ها در سیاست‌گذاری دولت آمریکا یکسان نیست.

در حقیقت در آمریکا جایگاه مراکز و کانون‌های تصمیم‌ساز را در کنار رسانه‌ها «قوه چهارم» حاکمیت می‌نامند؛ قوهای در تراز سه قوه دیگر (قانون‌گذاری، اجرایی، قضایی) که ساختار حاکمیت آمریکا را می‌سازند. براین اساس است که نهادهای مذکور در آمریکا به چهره اصلی ترسیم دورنمای سیاسی کاخ سفید تبدیل شده‌اند و سیاست‌گذاران در کنگره، کاخ سفید، پنتاگون و حتی مقامات اداری فدرال غالباً برای تصمیم‌گیری‌های خود به مشاوره‌های آن‌ها روی می‌آورند (علی‌خانی و کاردان، ۲۰۱۱: ۵۰). «ریچارد هاس» مدیر سیاسی و برنامه‌ریزی در وزارت امور خارجه آمریکا این نقش را این گونه توصیف می‌کند: «امروزه اتاق‌های فکر ارائه‌دهنده ۵ اصل هستند».

۱- تفکر جدید را برای تصمیم‌گیرندگان ایجاد می‌کنند.

۲- مباحث را در کنگره و برای کارشناسان دولتی ارائه می‌دهند.

۳- برای اعمال پژوهش‌ها، آن را در اختیار سیاست‌گذاران در محل برگزاری قرار می‌دهند.

۴- در آموزش و به اشتراک گذاشتن مباحث بین شهروندان شرکت می‌کنند.

۵- به‌عنوان عاملی ثالث و وساطت‌کننده برای احزاب در هنگام نزاع و درگیری وارد می‌شوند (هاس، ۱۲ سپتامبر، ۲۰۰۳).

براین اساس، اندیشکده‌ها به‌عنوان اتاق‌های فکر، تأثیر رو به افزایشی بر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های دولتی، به‌ویژه در ایالات‌متحده، اعمال می‌کنند. این نهادها با تولید محتوا و ارائه راهکارهای سیاستی، اغلب بر دستور کارهای دولت‌ها سایه افکنده و در شکل‌دهی به سیاست‌ها نقش محوری ایفا می‌کنند. دولت‌ها در این کشور بیش از آن‌که از گزارش‌های مراکز پژوهشی نسبتاً دولتی مانند مرکز پژوهش‌های کنگره^۱ استفاده کنند، خروجی‌ها و دستور کارهای اندیشکده‌ها را مبنای تصمیمات و اقدامات خود قرار می‌دهند.

درواقع بسیاری در آمریکا معتقدند طی یک دهه اخیر و با شروع اعتراضات و درگیری‌های داخلی در سوریه و مخصوصاً پس از امضای برجام در سال نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یافته است و لازم است آمریکا با این روند مقابله کند باروی کار آمدن دولت ترامپ نیز مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم آمریکا در منطقه مطرح شده است. علاوه براین مسئله مذکور از مهمترین دغدغه‌های برخی از مؤسسات و اندیشکده‌های پرنفوذ در آمریکا مخصوصاً در حوزه سیاست خارجی است (موسوی، رضوی، ۱۳۹۹: ۳).

جدول شمار ۳: جهت‌گیری اندیشکده‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران

اندیشکده	گرایش حزبی و فکری	راهبرد پیشنهادی
رند	مستقل	کنترل ایران در منطقه از طریق کاهش توان دفاعی و موشکی
شورای آتلانتیک	فراحزبی	خنثی‌سازی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی ایران با فشارهای اقتصادی
مؤسسه بروکینگز	دوحزبی	تحریم اقتصادی برای مهار توان هسته‌ای و تغییر سیاست منطقه‌ای ایران
مؤسسه هوور	جمهوری‌خواه و نومحافظه کار	ایجاد تغییر در ایران با حمایت از مخالفان و افزایش تحریم‌ها
بنیاد هریتیج	جمهوری‌خواه و نومحافظه کار	حمله نظامی پیشدستانه و تغییر رژیم در ایران از درون
آمریکن اینترپرایز	جمهوری‌خواه و نومحافظه کار	تغییر رژیم با حمله نظامی و محدودسازی برنامه موشکی ایران
بنیاد دفاع دموکراسی	فرا حزبی	تغییر رژیم؛ با اعمال تحریم‌های شدید و زیر سؤال بردن مشروعیت نظام سیاسی ایران

^۱. Congressional Research Service

بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی	مستقل	ارائه مشوق به تهران برای تغییر رفتار و محدودسازی قدرت راهبردی ایران
شورای روابط خارجی	دوحزی	تغییر مسالمت‌آمیز ایران با رویکرد بسیج مردم علیه نظام و تحریک مخالفان
مرکز سیاست دوحزی	دوحزی	گفتگو، تحریم، حمله

منبع: (اعجازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳)

درمجموع با توجه به اینکه اندیشکده‌های مختلفی در آمریکا همچون در جدول قبل گزارش‌هایی در خصوص ایران تولید می‌کنند. با این حال، مهم‌ترین اندیشکده‌هایی که به‌طور مستقیم به ایران پرداخته و می‌توانند تأثیرگذار باشند، عبارت‌اند از اندیشکده شورای آتلانتیک، بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، بنیاد هریتیج، موسسه هادسن و. این اندیشکده‌ها در دولت جدید ترامپ در سال ۲۰۲۴ نیز می‌توانند تأثیرگذار باشند.

۵-۲-۱. اندیشکده شورای آتلانتیک: رویکرد تغییر رژیم^۱

رویکرد تغییر رژیم در ایران، طی چهار دهه گذشته همواره در کانون توجه اندیشکده‌های آمریکایی بوده است. ناتوانی در اجرای مستقیم این رویکرد، آمریکا را به‌سوی استراتژی‌های جایگزین مانند مهار سوق داده است. برای عملیاتی‌سازی تغییر رژیم، روش‌های متعددی از جمله حمله هوایی، جنگ نیابتی، کودتای نظامی، حمایت از شورش‌ها و انقلاب‌های رنگی موردبررسی قرار گرفته‌اند.

در این میان اندیشکده‌ی «شورای آتلانتیک» به‌عنوان یکی از سرشناس‌ترین و تأثیرگذارترین اندیشکده‌های آمریکا طی گزارش مفصلی تحت عنوان «یک راهبرد دوحزی درباره‌ی ایران برای دولت بعدی ترامپ آمریکا و دو دهه‌ی آینده» که در اکتبر ۲۰۲۴، تنظیم کرده است عملاً نسخه‌ی «تغییر رژیم» در ایران را برای دولت بعدی آمریکا پیچیده است. این اندیشکده‌ی آمریکایی به‌رغم تأکید بر عدم اشاره‌ی مقامات آمریکایی به هدف «تغییر رژیم» در ایران و توصیه به کنار گذاشتن گزینه‌ی تغییر رژیم از طریق نیروی نظامی و کودتا، به دولت ترامپ و دولت‌های بعدی آمریکا پیشنهاد می‌کند سیاست موفقیت‌آمیز واشینگتن برای تغییر رژیم کمونیست لهستان در دهه‌ی ۱۹۸۰ را الگوی خود برای تقابل با جمهوری اسلامی قرار دهند (تسنیم، ۱۴۰۳).

بنیامین بن العیزر وزیر دفاع وقت رژیم صهیونیستی، یک ماه قبل از جنگ آمریکا علیه عراق اظهار داشت عراق یک مشکل است؛ اما شما اگر از من می‌پرسید، باید بدانید امروز ایران خطرناک‌تر از عراق است. شارون نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی نیز در نوامبر ۲۰۰۲ ایران را مرکز تروریسم جهانی توصیف کرد و اعلام نمود که دولت بوش باید روز بعد از فتح عراق، آماده مبارزه با ایران بشود استراتژی تغییر رژیم از طریق جنگ در سه گزینه اصلی فرموله شده است: اول گزینه جنگ و

^۱. Regime change

اشغال ایران، دوم‌گزینه حمله هوایی و موشکی، و سوم‌گزینه جنگ نیابتی (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۲۵-۱۲۰).

براین اساس به نظر می‌رسد شاخص‌ها و عوامل آمریکایی، ترامپ را به سمت استراتژی‌های جایگزین مانند مهار سوق داده‌اند، هرچند دولت ترامپ سیاست تغییر رژیم را دنبال کرده است. این در حالی است که ترامپ خود تغییر رژیم را هدف اصلی نمی‌داند و بر پاسخگو کردن ایران تأکید دارد.

۵-۲-۲. بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها: رویکرد تحریم‌های نفتی و بانک مرکزی

ایران

حتی پیش از روی کار آمدن ترامپ و محوریت یافتن تحریم‌ها در سیاست دولت او در قبال ایران، مارک دوبوئیتز به طراحی، اعمال و پیشبرد تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران کمک کرده است. او در سال ۲۰۱۱ نیز نقشی محوری در تحریم‌های نفتی و بانک مرکزی ایران داشت. در جریان مذاکرات هسته‌ای با ایران، دوبوئیتز تلاش بسیاری کرد تا مانع از تحقق این توافق شود اما نتوانست مانع از امضای توافق بین اوباما و ۵ کشور دیگر با ایران شود. بنا بر گزارش‌ها، پیش از امضای برجام کارشناسان بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها ۱۷ بار علیه این توافق در کنگره شهادت داده‌اند.

۵-۲-۳. بنیاد هریتیج: مذاکره توافق خوب با ایران

اندیشکده آمریکایی «هریتیج» گزارشی با عنوان «دستور رهبری ۲۰۲۵؛ وعده محافظه‌کار» منتشر کرد که در آن دستور کارهایی برای ایجاد تغییرات بنیادین در ساختار سیاست داخلی و خارجی آمریکا تدوین شده است. طبق این گزارش، هزاران نفر از کارمندان دولت اخراج خواهند شد، وزارت آموزش و پرورش و برخی نهادهای دولتی فدرال منحل می‌شوند، مالیات‌ها کاهش می‌یابند و سیاست خارجی آمریکا در جهان و به‌ویژه در خاورمیانه شاهد چرخشی اساسی خواهد بود. اکنون که انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ (۱۴۰۳) در آمریکا به پایان رسیده و دونالد ترامپ پیروز این انتخابات شده است، گمانه‌زنی‌ها در رابطه با اجرایی شدن اهداف مندرج در پروژه ۲۰۲۵ افزایش یافته است. در این گزارش، ضمن ارائه تعریفی کلی از مهم‌ترین اصول و اهداف این پروژه، به جایگاه احتمالی آن در دولت دوم ترامپ پرداخته شده است (جوکار، ۱۴۰۳).

مهمترین نشانه از تأثیرگذاری و نفوذ اندیشکده «هریتیج» بر سیاست دولت ترامپ در قبال ایران را می‌توان سخنرانی مایک پمپئو در تاریخ ۲۱ مه ۲۰۱۸ (دو هفته پس از خروج آمریکا از برجام) در این اندیشکده دانست. در آن سخنرانی، پمپئو به ترسیم سیاست دولت ترامپ در قبال ایران پرداخت

و برای اولین بار از ۱۲ پیش شرط برای گفتگو و مذاکره با ایران سخن گفت. او با ادعای اینکه ایران همچنان به طور مخفیانه برنامه هسته‌ای خود را ادامه می‌دهد و برجام در این زمینه به ایران کمک کرده است، به اقدامات ایران در زمینه حمایت از تروریسم، گسترش برنامه موشکی، دستگیری شهروندان آمریکایی، تهدید متحدان آمریکا در منطقه و سرکوب شهروندان خود اشاره کرد. سپس از ۱۲ اقدامی که ایران باید در راستای تغییر رفتار خود و تبدیل شدن به یک کشور عادی انجام دهد، سخن گفت و آن‌ها را به عنوان خواسته‌های دولت آمریکا از ایران معرفی کرد. این خواسته‌ها به اذعان بسیاری همان سیاست تغییر رژیم با زبانی متفاوت است و در صورت اجرای آن‌ها، تقریباً چیزی به نام جمهوری اسلامی ایران باقی نمی‌ماند. از آن زمان تاکنون، اگرچه ترامپ یا اعضای دولت او در برخی موارد برای مذاکره و گفتگو با ایران ابراز تمایل کرده‌اند و حتی تلاش‌هایی در این راستا (مانند تبادل زندانیان) انجام داده‌اند، اما همواره بر چارچوب مذکور برای تعامل با ایران تأکید داشته‌اند (حاتم زاده، ۱۴۰۳).

هرچند پروژه ۲۰۲۵ باهدف ایجاد تغییرات داخلی در قوه اجرایی در ایالات متحده آمریکا تدوین شده و بخش زیادی از این سند حدود ۹۰۰ صفحه‌ای به موضوعات داخلی در ایالات متحده آمریکا پرداخته است، اما در بخش‌های مختلف و به‌ویژه در بخش مربوط به دفاع مشترک^۱، به بررسی و ارزیابی تهدیدات خارجی که منافع و امنیت آمریکا و متحدانش در جهان را تهدید می‌کند، پرداخته شده است. در این بخش، ایران نیز به عنوان یکی از تهدیدات خارجی علیه منافع این کشور معرفی شده است که در ادامه به بررسی ابعاد آن پرداخته می‌شود (جوکار، ۱۴۰۳).

بر اساس گزارش‌های متعدد، «بنیاد هریتیج» بیش از دیگر اندیشکده‌های آمریکایی در دولت دونالد ترامپ نفوذ داشته و تأثیرگذار بوده است. این اندیشکده در تدوین سیاست‌های دولت ترامپ، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاست خارجی، نقش پررنگی ایفا کرده است. به نظر می‌رسد که این اندیشکده در رویکرد دولت جدید ترامپ نیز در قبال ایران تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. تأثیر این بنیاد در تعیین استراتژی‌های کلان آمریکا در برابر ایران، به‌ویژه در زمینه فشار بر برنامه هسته‌ای، برنامه موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی، احتمالاً در دوره دوم ترامپ برجسته‌تر خواهد شد.

۵-۲-۴. مؤسسه هادسن: سیاست مهار دوجانبه در قبال جمهوری اسلامی

ایران

مؤسسه هادسن یکی از مهم‌ترین اندیشکده‌های محافظه کار در آمریکا است که تأثیرگذاری زیادی بر دولت ترامپ به‌ویژه در حوزه رویکرد نسبت به چین و همچنین سیاست خاورمیانه‌ای او

^۱. THE COMMON DEFENSE

داشته است. مایکل دوران یکی از مهمترین کارشناسان این اندیشکده که به شدت ضد ایرانی و طرفدار اسرائیل است، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به سیاست خاورمیانه‌ای دولت ترامپ داشته و ترامپ چند بار در توییتر صحبت‌های او را بازنشر کرده است. او برخلاف بسیاری از تحلیل‌گران و سیاستمداران محافظه‌کار در آمریکا از اقدام ترامپ برای رها کردن کردها در سوریه در مقابل ترکیه حمایت کرد و آن را در راستای منافع آمریکا و متحدان سنتی خود (ترکیه) دانست. از دید دوران، محور سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا باید مقابله با هژمونی ایران باشد و راه رسیدن به این هدف هم تقویت اتحاد با متحدان (اسرائیل، ترکیه و عربستان) است.

درواقع موسسه هادسون همچون اندیشکده‌های نومحافظه‌کار دیگر بر سیاست مهار دوجانبه و تحریم‌ها تأکید دارند. این سیاست در قبال سیاست توأمان ایالات متحده آمریکا در قبال مهار جمهوری اسلامی تأکید دارد. این سیاست بیشتر در زمان زمامداری روسای جمهور جمهوری خواه چون ترامپ اتخاذ می‌شود. مارتین ایندیک بنیانگذار موسسه واشنگتن و معاون کنونی موسسه بروکینگز برای اولین بار از استراتژی آمریکا در خلیج فارس با عنوان مهار دوجانبه سخن به میان آورد. وی با اشاره به استراتژی آمریکا در دهه ۱۹۸۰ در قبال ایران و عراق که مبتنی بر ایجاد تعادل بین دو کشور با تکیه به یکی علیه دیگری بود و اذعان صریح به شکست آن، اظهار داشت: این استدلال را که بایستی به یکی کمک کرد تا به سطح دیگری برسد پذیرفته نیست. ورشکستگی این سیاست نه تنها در حمله عراق به کویت کاملاً به اثبات رسیده بلکه کاملاً آشکار است که ایران و عراق (زمان صدام) دشمن آمریکا و خصم متحدان منطقه‌ای آن می‌باشند. پس آمریکا باید حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس حفظ نموده تا بلندپروازی‌های نظامی ایران و عراق را مهار نماید (نوکنده، ۱۴۰۱).

موسسه هادسون به عنوان یک اندیشکده محافظه‌کار، نقش مؤثری در تبیین سیاست‌های ضد ایرانی دولت ترامپ ایفا کرده است. تأکید بر مهار ایران از طریق تحریم، تقویت اتحاد با متحدان منطقه‌ای (عبری - عربی - ترکی) و حفظ حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، رویکردی است که احتمالاً در دولت‌های جمهوری خواه آتی نیز ادامه خواهد یافت. این استراتژی، با وجود انتقادات، به عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه باقی مانده است.

۳-۵. فشارهای سیستم بین‌المللی و تهدیدات خارجی

رفتار دولت‌ها عمدتاً به وسیله فشارهای سیستم بین‌المللی و تهدیدات خارجی شکل می‌گیرد. ترامپ جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک عامل بی‌ثبات‌کننده و چالش برای هژمونی ایالات متحده در خاورمیانه تلقی می‌کند. دولت دوم ترامپ به احتمال زیاد رویکردی را اتخاذ خواهد کرد که بازتاب فشارهای ناشی از ساختار رقابتی نظام بین‌المللی باشد. رقابت قدرت‌های بزرگ (ایالات متحده، چین و روسیه) و چالش‌های ناشی از بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، باعث می‌شود

ترامپ بر سیاست‌هایی متمرکز شود که از ابزارهای فشار و تهدید برای دستیابی به اهداف استراتژیک استفاده کند. در این بین ترامپ ممکن است تلاش کند از روابط با روسیه یا حتی چین برای محدود کردن حمایت این کشورها از ایران استفاده کند. این همکاری‌ها می‌توانند شامل توافق‌های اقتصادی یا دیپلماتیک باشند که فشار بر ایران را افزایش دهند.

در مجموع، دولت دوم ترامپ نظام بین‌المللی را به سمت رقابتی‌تر شدن سوق دهد و سیاست ایالات متحده در قبال ایران را به سمتی سوق دهد که در آن فشار، تهدید و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای نقش محوری ایفا کنند. دولت دوم وی احتمالاً سیاستی سخت‌گیرانه‌تر و رقابتی‌تر در قبال ایران اتخاذ خواهد کرد. این سیاست شامل اعمال فشارهای گسترده اقتصادی، تهدیدات نظامی، و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای است. ترامپ ایران را به عنوان چالشی استراتژیک تلقی می‌کند که باید از طریق راهبردهای مبتنی بر قدرت و فشار، تحت کنترل قرار گیرد. پیامدهای این رویکرد می‌تواند تنش‌های نظام بین‌المللی را تشدید کند و رقابت‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه را افزایش دهد.

۴-۵. متغیرهای داخلی عوامل داخلی

در تحلیل رویکرد دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران، ضروری است که به عوامل داخلی ایالات متحده و ایران توجه شود. سیاست‌های خارجی هر دولت در نهایت تحت تأثیر متغیرهای داخلی، نظیر نگرش نخبگان سیاسی، اولویت‌های اقتصادی، شرایط اجتماعی و تغییرات در منافع ملی قرار دارد. در این بخش، به بررسی عوامل داخلی مؤثر بر رویکرد ترامپ در قبال ایران و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های دولت دوم ترامپ پرداخته می‌شود. ضروری است که به عوامل داخلی ایالات متحده و ایران توجه شود. سیاست‌های خارجی هر دولت در نهایت تحت تأثیر متغیرهای داخلی، نظیر نگرش نخبگان سیاسی، اولویت‌های اقتصادی، شرایط اجتماعی و تغییرات در منافع ملی قرار دارد. در این بخش، به بررسی عوامل داخلی مؤثر بر رویکرد ترامپ در قبال ایران و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های دولت دوم ترامپ پرداخته می‌شود.

۶. عوامل داخلی ایالات متحده آمریکا تأثیرگذار بر رویکرد ترامپ

۶-۱. نگرش سیاسی و شخصیت ترامپ

در حقیقت خروج آمریکا از برجام که ایده شخص ترامپ بود را نمی‌توان از منافع ملی آمریکا و جاه‌طلبی‌های ترامپ جدا کرد؛ زیرا منافع جامعه جهانی در سیاست خارجی آمریکا در دوره ترامپ اولویت اول نبود (Djuyandi, al et, 2021:504).

ترامپ به‌عنوان یک رهبر عمل‌گرا و مذاکره‌کننده بر اساس منافع ایالات‌متحده، ایران را به‌عنوان یک تهدید استراتژیک در نظر می‌گیرد. او بر این باور است که ایران باید تحت فشار قرار گیرد تا به شرایط ایالات‌متحده در زمینه هسته‌ای، منطقه‌ای و موشکی تن دهد.

تجربه تلخ برجام در دولت اول ترامپ، او را به این نتیجه رسانده است که ایران را تنها از طریق فشار اقتصادی و تهدید نظامی می‌توان به مذاکره کشاند و به توافقاتی جدید و سخت‌تر دست یافت. به‌علاوه، تیم مشاوران و متحدان ترامپ در حوزه سیاست خارجی نیز عمدتاً بر همین رویکرد فشار حداکثری تأکید دارند.

۶-۲. کنگره و سیاست داخلی ایالات‌متحده

سیاست‌های ترامپ در قبال ایران نه‌تنها تحت تأثیر دیدگاه‌های او و تیم مشاورانش است، بلکه نیاز به پشتیبانی از کنگره ایالات‌متحده نیز دارد. درحالی‌که حزب جمهوری‌خواه که حامی ترامپ است به‌طور کلی از فشار بیشتر بر ایران حمایت می‌کند، دموکرات‌ها تمایل دارند که به سمت رویکردهای دیپلماتیک‌تر و بازگشت به توافقاتی چندجانبه مانند برجام حرکت کنند. بنابراین، در صورتی‌که ترامپ دوباره به قدرت برسد، به نیاز به حمایت و هماهنگی با کنگره برای ادامه سیاست‌های فشار حداکثری و همچنین پیشبرد اهداف خود در قبال ایران توجه خواهد داشت. هرگونه تغییر در ترکیب کنگره یا تغییرات سیاسی در این نهاد می‌تواند بر شدت یا میزان موفقیت این سیاست‌ها تأثیر بگذارد.

۶-۳. اولویت‌های اقتصادی ایالات‌متحده

در داخل ایالات‌متحده، وضعیت اقتصادی و نیاز به ایجاد شغل و توسعه اقتصادی می‌تواند بر سیاست خارجی ایالات‌متحده تأثیر بگذارد. ترامپ در دوره اول خود به‌ویژه بر سیاست‌های اقتصادی تمرکز داشت و در دولت دوم خود، ممکن است سیاست‌هایی برای تقویت اقتصاد داخلی خود، به‌ویژه از طریق فشار بر ایران و کاهش هزینه‌های نظامی یا اقتصادی مرتبط با خاورمیانه، به اجرا بگذارد. این ممکن است به کاهش هزینه‌های نظامی در منطقه و تقویت تحریم‌ها به‌عنوان راهی برای فشار بیشتر بر ایران منجر شود.

۴-۶. امنیت ملی و تهدیدات تروریستی

تهدیدات امنیتی داخلی ایالات متحده از جانب گروه‌های تروریستی و همچنین نگرانی‌های امنیتی ناشی از ایران، یکی از محرک‌های اصلی سیاست ترامپ بوده است. در صورت ادامه تهدیدات ایران از طریق برنامه‌های موشکی، حمایت از گروه‌های نیابتی، یا تهدیدات علیه متحدان ایالات متحده، ترامپ می‌تواند به تقویت رویکردهای امنیتی و بازدارندگی بیشتر در قبال ایران توجه کند. این تهدیدات می‌توانند موجب گسترش حمایت از سیاست‌های قوی‌تر و نیاز به تقویت همکاری‌های امنیتی با متحدان منطقه‌ای ایالات متحده، به‌ویژه اسرائیل و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، شوند.

۵-۶. افکار عمومی و تأثیر رسانه‌ها

افکار عمومی ایالات متحده، به‌ویژه در سال‌های اخیر تحت تأثیر رسانه‌ها و تحولات اجتماعی قرار داشته است. ترامپ برای حفظ محبوبیت خود در بین طرفدارانش، ممکن است نیاز به نشان دادن قدرت در مقابل ایران داشته باشد. رسانه‌ها و سیاست‌های عمومی که علیه ایران ایجاد می‌شود، می‌تواند از طریق کمپین‌های رسانه‌ای و سیاسی به نفع ترامپ در مبارزات انتخاباتی عمل کند. از سوی دیگر، بحران‌های داخلی نظیر نارضایتی‌های اجتماعی، اعتراضات اقتصادی و اختلافات نژادی و اجتماعی، ممکن است ترامپ را مجبور به تطبیق سیاست‌های خارجی خود با واقعیت‌های داخلی و اجتماعی ایالات متحده کند.

۷. عوامل داخلی ایران و تأثیر آن بر سیاست‌های ترامپ

۱-۷. بحران‌های اقتصادی و داخلی در ایران

تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی ناشی از سیاست‌های ترامپ در دوران اول، موجب شده‌اند که ایران با بحران اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شود. در دولت دوم ترامپ، ایران ممکن است در تلاش باشد تا با کاهش وابستگی به اقتصاد جهانی و افزایش همکاری‌های داخلی، فشارها را کاهش دهد. این وضعیت می‌تواند به ترامپ این امکان را بدهد تا از ابزار تحریم‌های بیشتر استفاده کند، چراکه به نظر می‌رسد فشارهای اقتصادی ممکن است ایران را به‌سوی پذیرش شرایط سخت‌تر سوق دهد.

۷-۲. تغییرات در رویکرد رهبران و سیاست‌های داخلی ایران

تغییرات در رهبری ایران و سیاست‌های داخلی این کشور می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر واکنش ایران به فشارهای خارجی داشته باشد. در صورتی که رهبران ایران از سیاست‌های مقابله‌ای و تقابلی به سمت راه‌حل‌های دیپلماتیک تر گرایش یابند، ترامپ ممکن است تصمیم به استفاده از ابزارهای دیپلماتیک و مشروط برای مذاکره با ایران بگیرد. به علاوه، تحول در سیاست‌های داخلی ایران می‌تواند به بازنگری در استراتژی‌های ترامپ در قبال این کشور منجر شود.

۷-۳. کنترل بر نیروهای نیابتی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران

سیاست‌های ترامپ در قبال ایران می‌تواند تحت تأثیر واکنش ایران به فشارهای بین‌المللی قرار گیرد. اگر ایران به‌ویژه در عرصه‌های نیابتی، همچنان به تقویت نفوذ خود در منطقه ادامه دهد، ترامپ ممکن است رویکردهای نظامی و بازدارندگی را تقویت کرده و فشارها را تشدید کند. در این راستا، ایران نیز ممکن است از ابزارهای غیرمستقیم نظیر تقویت گروه‌های نیابتی خود در عراق، سوریه، یمن و لبنان برای مقابله با فشارهای ایالات متحده استفاده کند. مانند تأثیر لابی‌های اسرائیلی، فشارهای اقتصادی، و حمایت پایگاه رأی ترامپ از سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه ایران، نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های او دارند.

۸. رهبری و ادراکات ترامپ

ادراکات و تصمیمات شخص ترامپ و تیم سیاست خارجی او، نقش کلیدی در تعیین شدت و نوع سیاست‌ها ایفا می‌کند. ترامپ جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان نگاه به‌عنوان «تهدید اصلی» و یک بازیگر سرکش در منطقه خاورمیانه می‌بیند که از طریق برنامه هسته‌ای، حمایت از گروه‌های نیابتی، و نفوذ منطقه‌ای تهدیدی مستقیم برای منافع ایالات متحده، اسرائیل، و کشورهای عربی خلیج فارس به شمار می‌رود. او معتقد است که مذاکره با ایران تنها زمانی ممکن است که این کشور تحت فشار اقتصادی و سیاسی شدید قرار گیرد. این ادراک در سیاست‌های ترامپ به‌ویژه خروج از برجام و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه ایران به‌خوبی آشکار بود.

۹. توازن منطقه‌ای قدرت

با انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی و آغاز قریب‌الوقوع دوره دوم ریاست‌جمهوری او، منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) بار دیگر در مقطع حساسی قرار خواهد گرفت. اولین

دوره ریاست جمهوری ترامپ تأثیری ماندگار بر منطقه برجای گذاشت که با ترکیبی غیرمتعارف از دیپلماسی مبادله‌ای، ابتکارات خاص و برهم زدن هنجارهای ثابت شناخته می‌شود. برای برخی از قدرت‌های منطقه‌ای، سیاست‌های او فرصتی برای همسویی مجدد و پیشرفت استراتژیک فراهم کرد، اما برای دیگران، باعث بروز عدم اطمینان و ناامیدی شد. با نزدیک شدن به بازگشت او به کاخ سفید، رهبران منطقه در حال آماده‌سازی برای تغییرات بالقوه‌ای هستند که می‌تواند بار دیگر اتحادها را دگرگون کرده، اولویت‌ها را دوباره تعریف کند و روابط منطقه‌ای با واشنگتن را تجدید سازد. تمرکز ترامپ در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش بر ایجاد موازنه در برابر نفوذ فزاینده چین در خاورمیانه و شمال آفریقا خواهد بود. در سال‌های اخیر، پکن به‌عنوان شریک مهم اقتصادی و دیپلماتیک برای کشورهای خلیج فارس و دیگر بازیگران منطقه‌ای ظاهر شده است. میانجیگری چین برای نزدیکی عربستان و ایران در اوایل سال جاری، به‌وضوح نشان‌دهنده آمادگی این کشور برای به چالش کشیدن نفوذ ایالات متحده در منطقه است. دولت دوم ترامپ احتمالاً با این چالش مستقیماً روبه‌رو خواهد شد و با استفاده از انگیزه‌های اقتصادی، همکاری‌های نظامی و مشارکت‌های استراتژیک، سعی خواهد کرد تسلط ایالات متحده را در منطقه دوباره تأیید کند (کلانتری، ۱۴۰۳).

در دور دوم ریاست جمهوری ترامپ، به‌احتمال زیاد توافق ابراهیم را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی دولت او باقی خواهد ماند. ترامپ این توافق را یکی از موفقیت‌های برجسته دوران ریاست جمهوری خود می‌داند و تلاش برای گسترش آن به کشورهای دیگر، به‌ویژه عربستان سعودی، در اولویت برنامه‌های او قرار خواهد گرفت. عربستان سعودی به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه، تاکنون آمادگی محتاطانه‌ای برای پیوستن به توافق ابراهیم نشان داده است. با این حال، ریاض شروط مهمی از جمله دریافت تضمین‌های امنیتی از ایالات متحده، دسترسی به فناوری پیشرفته و برخورداری از فناوری هسته‌ای برای مقاصد غیرنظامی را مطرح کرده است. رویکرد عمل‌گرایانه و معامله محور ترامپ، که بر مبنای ارائه امتیازات متقابل شکل گرفته، می‌تواند زمینه‌ساز توافقی تاریخی با عربستان سعودی شود. چنین توافقی نه تنها موجب تحکیم هم‌سویی عربستان با اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی ایالات متحده خواهد شد، بلکه می‌تواند به بازتعریف ساختار قدرت در خاورمیانه و کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

در نهایت، گسترش توافق ابراهیم در دولت دوم ترامپ می‌تواند به یک دستاورد دیپلماتیک مهم تبدیل شود که پیامدهای گسترده‌ای برای ثبات منطقه و نقش‌آفرینی ایالات متحده در خاورمیانه به همراه خواهد داشت.

ترامپ به‌احتمال زیاد با تشدید تحریم‌ها، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت، فلزات و تراکنش‌های مالی، سیاست فشار حداکثری علیه ایران را ادامه خواهد داد. این سیاست باهدف محدود کردن منابع مالی ایران برای پیشبرد برنامه‌های هسته‌ای و حمایت از گروه‌های نیابتی طراحی می‌شود.

گسترش توافق ابراهیم و ایجاد اتحادهای منطقه‌ای قوی‌تر با اسرائیل، عربستان سعودی، و دیگر کشورهای خلیج فارس به عنوان ابزاری برای مهار نفوذ ایران استفاده خواهد شد. ترامپ تلاش خواهد کرد عربستان سعودی را به امضای توافق عادی سازی روابط با اسرائیل ترغیب کند، که این موضوع می‌تواند موقعیت ایران را در منطقه تضعیف کند.

ترامپ ممکن است سیاست بازدارندگی فعال را از طریق تهدید به اقدام نظامی یا حمایت از عملیات اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران دنبال کند. این رویکرد می‌تواند شامل نمایش قدرت از طریق استقرار ناوگان نظامی در خلیج فارس یا حملات محدود به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران باشد.

جدول شماره ۴: رویکردهای احتمالی دولت جدید ترامپ ۲۰۲۴ در قبال جمهوری اسلامی ایران

رویکردهای احتمالی	توضیحات	مکانیزم‌ها
بازگشت به استراتژی «فشار حداکثری»	ترامپ در دوره اول خود با اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، به‌ویژه در بخش نفت و گاز، به دنبال فلج کردن اقتصاد ایران و وادار کردن آن به مذاکره بود. احتمالاً او این سیاست را دوباره پیگیری کند	تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران - محدودیت‌های جدید برای فروش نفت به چین و تبادلات مالی با امارات - اعمال فشار برای توافق هسته‌ای و منطقه‌ای با ایران
دستیابی به «توافق بهتر» با ایران	ترامپ به دنبال یک توافق جدید با ایران است که نه تنها برنامه هسته‌ای بلکه مسائل موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران را نیز شامل شود. او برجام را توافقی ناقص می‌داند و خواهان یک توافق جامع‌تر است	- تلاش برای مذاکرات جدید با ایران - درخواست برای توافق جامع‌تر که برنامه هسته‌ای، موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای ایران را پوشش دهد - اعمال فشار برای تغییر رفتار ایران
تلاش برای انزوای ایران در منطقه	ترامپ در دوره اول خود روابط نزدیکی با کشورهای عربی خلیج فارس برقرار کرد و به‌ویژه به دنبال منزوی کردن ایران در منطقه بود. بازگشت او می‌تواند این سیاست را تقویت کند.	تقویت روابط با کشورهای عربی (عربستان سعودی، امارات) و اسرائیل - تلاش برای ایجاد اتحاد جدید علیه ایران در منطقه - پیشبرد پروژه‌های اقتصادی و امنیتی که منافع ایران را تهدید کند
تشدید جنگ تجاری با چین و پیامدهای آن برای ایران	ترامپ در دوره اول خود جنگ تجاری با چین را آغاز کرد و ممکن است این رویکرد را در دوره دوم ادامه دهد. این موضوع می‌تواند بر ایران نیز تأثیر بگذارد، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت.	افزایش فشار بر چین در صورت خرید نفت از ایران - تأثیر منفی بر روابط ایران و چین و محدود کردن صادرات نفت ایران - احتمال افزایش تنش‌های اقتصادی و تجاری میان ایران و چین
افزایش تنش‌های نظامی	روابط نزدیک ترامپ با نتانیاهو و حمایت از اسرائیل می‌تواند منجر به افزایش تنش‌های نظامی در منطقه شود. ترامپ احتمالاً خطوط قرمز محدودکننده برای اسرائیل را حذف کند.	- افزایش حمایت از اسرائیل برای اقدامات نظامی علیه ایران - احتمال تشدید حملات نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای و نظامی ایران - فراهم کردن شرایط برای اقدام نظامی اسرائیل بدون ممانعت از طرف آمریکا

۱۰. پیامدهای سیاست‌های ترامپ در قبال ایران

سیاست‌های احتمالی دولت جدید ترامپ در قبال ایران، به‌ویژه اگر در چارچوب سیاست فشار حداکثری ادامه یابد، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در سطوح مختلف داشته باشد. که در ذیل به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۱۰. تشدید تنش بین ایران و ایالات متحده آمریکا

سیاست فشار حداکثری ترامپ احتمالاً به افزایش تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده منجر شده و امیدها برای دستیابی به یک توافق جدید هسته‌ای را به شدت کاهش می‌دهد. این سیاست‌ها می‌توانند جمهوری اسلامی ایران را به اتخاذ رویکردهای مقابله‌ای، نظیر افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم و حتی تهدید به خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT)، سوق دهند. علاوه بر این، ایران ممکن است در واکنش به فشارهای مداوم، دکترین هسته‌ای خود را بازبینی کرده و به دلیل ایجاد موازنه راهبردی، سیاست ساخت تسلیحات هسته‌ای یا بمب هسته‌ای را در پیش گیرد. چنین تغییری می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر امنیت منطقه‌ای و نظام بین‌الملل داشته باشد.

از سوی دیگر، این سیاست‌ها روابط ایران با کشورهای اروپایی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. کشورهای اروپایی، درحالی که تمایل به حفظ برجام داشته‌اند، به دلیل تبعیت از تحریم‌های ایالات متحده و ناتوانی در ارائه راهکارهای عملی برای کاهش فشارهای اقتصادی ایران، نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر در این زمینه عمل کنند. این وضعیت می‌تواند شکاف بیشتری میان ایران و کشورهای غربی ایجاد کند و مسیر دیپلماسی را بیش‌ازپیش دشوار سازد.

۲-۱۰. تأثیرات اقتصادی و اجتماعی در ایران

در دولت جدید ترامپ، استفاده از فشارهای اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد نارضایتی عمومی در ایران و پیشبرد سیاست‌های مداخله‌جویانه، باهدف تضعیف حکومت و حتی تغییر رژیم، محتمل به نظر می‌رسد. تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی شدید، که از مهم‌ترین ابزارهای این سیاست محسوب می‌شوند، پیامدهایی جدی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ایران خواهند داشت. فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها به تشدید فاصله طبقاتی و افزایش شکاف میان اقشار غنی و فقیر منجر خواهد شد. در این میان، اقشار آسیب‌پذیر، از جمله کارگران و خانواده‌های کم‌درآمد، بیشترین آسیب را خواهند دید. افزایش هزینه‌های زندگی، کاهش فرصت‌های شغلی، و تضعیف توانایی دولت در ارائه خدمات اجتماعی، وضعیت معیشتی این گروه‌ها را وخیم‌تر خواهد کرد. این شرایط می‌تواند به شکل‌گیری نارضایتی‌های اجتماعی گسترده و ایجاد بسترهایی برای اعتراضات

مردمی منجر شود. تشدید این اعتراضات ممکن است در راستای اهداف دولت ترامپ برای افزایش فشار داخلی بر حکومت ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به‌طور کلی، ترکیب فشارهای اقتصادی خارجی و بحران‌های اجتماعی داخلی، زمینه‌ساز بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود که در راستای سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا قرار می‌گیرد. تحریم‌های اقتصادی که در پی سیاست فشار حداکثری به اجرا درآمدند، فشار زیادی به اقتصاد ایران وارد کردند. کاهش صادرات نفت، ناتوانی در دسترسی به سیستم‌های مالی جهانی و بحران ارزی در ایران، منجر به کاهش سطح زندگی و افزایش تورم شد. سیاست‌های احتمالی دولت دوم ترامپ، به‌ویژه در چارچوب فشار حداکثری، می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران داشته باشد. تحریم‌های گسترده‌ای که بر بخش‌های کلیدی اقتصاد ایران، نظیر نفت، گاز، بانکداری و حمل‌ونقل اعمال شدند، ممکن است در دولت دوم ترامپ تشدید شوند. این وضعیت منجر به کاهش بیشتر درآمد‌های ارزی، تورم شدید، افزایش قیمت کالاهای اساسی و کاهش قدرت خرید مردم خواهد شد. علاوه بر این، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و دشواری در تجارت بین‌المللی، رکود اقتصادی ایران را تعمیق خواهد کرد.

۱۰-۳. پیامدهای امنیتی و نظامی در منطقه

در سطح منطقه‌ای، سیاست‌های ترامپ به تشدید تنش‌ها و افزایش فعالیت‌های نظامی در خاورمیانه انجامید. ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس، در ژانویه ۲۰۲۰ به نقطه عطفی در روابط ایران و ایالات متحده تبدیل شد و سطح تنش‌ها را به شکل قابل‌توجهی افزایش داد. این اقدام، موجی از حملات تلافی‌جویانه ایران به منافع ایالات متحده و هم‌پیمانانش در منطقه را در پی داشت و بحران را وارد مرحله‌ای جدید کرد.

تداوم سیاست‌های خصمانه آمریکا علیه ایران و تکرار سیاست فشار حداکثری ترامپ، به احتمال زیادی به تقابل‌های مستقیم نظامی میان ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای منجر خواهد شد. این تنش‌ها، به‌ویژه در خلیج فارس و تنگه هرمز، می‌توانند امنیت کشتیرانی بین‌المللی و ثبات بازار جهانی انرژی را با تهدید جدی مواجه کنند. در پاسخ به این فشارها، ایران احتمالاً فعالیت‌های محور مقاومت را در کشورهای نظیر عراق، سوریه، یمن و لبنان افزایش خواهد داد. این اقدامات باهدف تقویت جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای انجام می‌شود، اما می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی بیشتری در منطقه ایجاد کند. از سوی دیگر، کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و اسرائیل، با حمایت قوی‌تر از سیاست‌های ضدایرانی ترامپ، احتمالاً به تقویت رقابت‌های تسلیحاتی و گسترش اقدامات امنیتی در سطح منطقه روی خواهند آورد. چنین شرایطی مسیر مذاکرات دیپلماتیک با ایران را مسدود خواهد کرد و احتمال حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مسائل هسته‌ای و منطقه‌ای را کاهش می‌دهد. در همین حال، افزایش درگیری‌ها و حضور نظامی در منطقه می‌تواند

امنیت داخلی کشورهای همسایه ایران را نیز تحت الشعاع قرار دهد. به عنوان مثال، عراق ممکن است با افزایش حملات شبه نظامیان یا تشدید درگیری‌های فرقه‌ای روبه‌رو شود، که این امر می‌تواند به بی‌ثباتی گسترده‌تری در کل منطقه دامن بزند.

۱۰-۴. واکنش‌ها در سطح جهانی

سیاست‌های احتمالی دولت دوم ترامپ در قبال ایران، به‌ویژه در زمینه فشار حداکثری و تشدید تحریم‌ها، احتمالاً واکنش‌های متنوعی از سوی کشورهای مختلف و نهادهای بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. این واکنش‌ها می‌توانند بر روابط دیپلماتیک، امنیت جهانی و نظم اقتصادی بین‌المللی تأثیرگذار باشند. کشورهای اروپایی که تمایل دارند برجام را حفظ کنند، ممکن است به شدت با سیاست‌های ترامپ مخالف باشند. این کشورها همچنان به دنبال حفظ توافق هسته‌ای و تقویت روابط اقتصادی و تجاری با ایران هستند، اما از آنجاکه در عمل تحت فشار تحریم‌های ایالات متحده قرار دارند، ممکن است نتوانند به‌طور کامل از سیاست‌های ترامپ فاصله بگیرند. احتمالاً اتحادیه اروپا در مواجهه با فشارهای ترامپ، برای حفظ برجام به دنبال راه‌حل‌های دیپلماتیک و تجاری جدید خواهد بود، اما نمی‌تواند به‌طور کامل از سیاست‌های تحریمی آمریکا چشم‌پوشی کند. در مقابل، روسیه و چین که مواضع حمایتی‌تری از ایران دارند، ممکن است تلاش کنند تا ایران را از فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا محافظت کنند. این کشورها احتمالاً به تقویت همکاری‌های اقتصادی و نظامی با ایران پرداخته و در مجامع بین‌المللی از حق ایران برای حفظ توافق هسته‌ای دفاع خواهند کرد. این حمایت‌ها ممکن است تنش‌های بیشتر با ایالات متحده ایجاد کند.

سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی نیز ممکن است در برابر فشارهای یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا واکنش‌های انتقادی داشته باشند. به‌ویژه در موضوعاتی چون نقض حقوق بشر، سازمان ملل احتمالاً به دنبال ارائه راه‌حل‌های دیپلماتیک و حقوقی برای کاهش تنش‌ها خواهد بود. ایران ممکن است از این نهادها برای تقویت موضع خود در برابر سیاست‌های ترامپ استفاده کند. در سطح منطقه‌ای، کشورهای عربی مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین ممکن است از سیاست‌های ضدایرانی ترامپ حمایت کنند. این کشورها از تشدید فشارها بر ایران به عنوان راهی برای کاهش نفوذ ایران در منطقه و محدود کردن فعالیت‌های نظامی و نیابتی آن در کشورهای عربی حمایت خواهند کرد. اسرائیل نیز که از سیاست‌های ترامپ در قبال ایران حمایت کرده، ممکن است با افزایش اقدامات نظامی علیه ایران یا گروه‌های تحت حمایت آن در منطقه، به مقابله با تهدیدات ایران بپردازد. در مجموع، سیاست‌های احتمالی ترامپ در قبال ایران نه تنها بر روابط ایالات متحده با ایران بلکه بر تعادل سیاسی، اقتصادی و امنیتی در سطح جهانی نیز تأثیر خواهد گذاشت. این سیاست‌ها می‌توانند روابط بین‌المللی را پیچیده‌تر کرده و زمینه‌ساز درگیری‌های جدید یا فرصت‌هایی برای دیپلماسی و همکاری‌های جدید شوند.

۱۱. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با تحلیل عملکرد دولت اول ترامپ و شرایط سیاسی و اقتصادی منطقه و جهان، رویکرد احتمالی دولت دوم او در قبال جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گیرد. نتایج نشان می‌دهد که احتمال ادامه سیاست فشار حداکثری با تمرکز بر تحریم‌های اقتصادی همچنان قوی است؛ اما عواملی مانند تغییر در معادلات قدرت منطقه‌ای، فشارهای داخلی در ایالات متحده، و تحولات بین‌المللی ممکن است بر این رویکرد تأثیر بگذارند.

پیامدهای سیاست‌های احتمالی ترامپ برای ایران و منطقه، شامل افزایش تنش‌های امنیتی، کاهش همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، و افزایش فشارهای اقتصادی بر ایران خواهد بود. از سوی دیگر، سناریوهای محتمل شامل تداوم فشار حداکثری، امکان بازگشت به مذاکرات با شرایط سختگیرانه، یا حتی تشدید تنش‌های نظامی است که هر یک نیازمند توجه جدی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است.

علاوه بر آن، می‌توان انتظار داشت که رویکرد مشابهی، اما با تاکتیک‌های جدیدتر، اتخاذ شود. افزایش فشار اقتصادی از طریق تحریم‌های هدفمندتر، حمایت از اپوزیسیون داخلی ایران، و تعمیق همکاری با متحدان منطقه‌ای نظیر اسرائیل و کشورهای خلیج فارس از جمله اقدامات احتمالی خواهد بود. همچنین ترامپ ممکن است با ترکیب تهدید نظامی و پیشنهاد مذاکره، ایران را به پذیرش توافق جدید وادار کند که به نفع منافع ایالات متحده باشد. با این حال، اجرای چنین سیاست‌هایی با چالش‌هایی همراه است. تغییرات در نظام بین‌الملل، مانند افزایش نفوذ چین و روسیه در منطقه، کاهش وابستگی جهانی به نفت خاورمیانه، و همچنین مقاومت داخلی در آمریکا نسبت به مداخله‌های خارجی، می‌تواند دامنه اقدامات ترامپ را محدود کند. علاوه بر این، تجربه مقاومت مردم ایران در برابر فشارهای گذشته نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به راحتی تسلیم این فشارها نخواهد شد. در نهایت، سیاست‌های احتمالی ترامپ در قبال ایران پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد، سیاست داخلی و جایگاه منطقه‌ای ایران خواهد داشت. از یک سو، تشدید تحریم‌ها ممکن است فشارهای اقتصادی بیشتری بر مردم ایران وارد کند و نارضایتی‌های اجتماعی را افزایش دهد. از سوی دیگر، این فشارها می‌تواند به انسجام بیشتر حاکمیت و تقویت رویکردهای ضدآمریکایی منجر شود. در نتیجه، بررسی دقیق و علمی این سیاست‌ها و پیامدهای آن برای هر دو کشور و منطقه ضروری است. در این راستا، سیاست‌های احتمالی ترامپ در قبال ایران را می‌توان در دو زمینه عمده مورد بررسی قرار داد: نخست، ادامه فشارهای اقتصادی و نظامی باهدف محدود کردن نفوذ ایران در منطقه و کاهش توان هسته‌ای این کشور؛ و دوم، احتمال بازگشت به مذاکرات جدید، به‌ویژه در صورتی که شرایط داخلی و بین‌المللی تغییر کند. پیش‌بینی رویکرد سیاست خارجی دولت دوم ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران نیازمند توجه به عوامل داخلی و خارجی متعددی است که بر تصمیمات ترامپ تأثیر دارند. سیاست «فشار حداکثری» که در دوران اول ریاست جمهوری ترامپ

اتخاذ شد، به‌ویژه از سوی اندیشکده‌های محافظه‌کار و استراتژیک پشتیبانی می‌شود. در این راستا، تحلیل متغیرهای داخلی ایالات متحده و ایران، فشارهای سیستم بین‌المللی، و تغییرات احتمالی در سیاست‌های داخلی ایران می‌تواند چارچوب‌های اصلی سیاست دولت دوم ترامپ را در قبال ایران مشخص کند.

برای سیاست‌گذاران در ایران، ضروری است که علاوه بر آماده‌سازی برای مواجهه با فشارهای بیشتر، بر تقویت روابط با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تمرکز کنند. همچنین، ایجاد راهبردهایی برای کاهش آسیب‌های اقتصادی و افزایش تاب‌آوری داخلی از اهمیت بالایی برخوردار است. در سطح بین‌المللی، دیپلماسی فعال می‌تواند به کاهش تنش‌ها و جلوگیری از افزایش بحران کمک کند.

در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل رویکردهای احتمالی دولت دوم ترامپ نیازمند توجه به عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی عمیق‌تر سناریوهای مختلف و تأثیرات آن بر پویایی‌های منطقه‌ای بپردازند تا بتوانند به سیاست‌گذاران و تحلیلگران برای تصمیم‌گیری بهتر کمک کنند.



منابع

- اعجازی، احسان، قربانی، ارسلان، سیمبر، رضا، و جانسیز، احمد. (۱۳۹۹). تأثیر رسانه‌های اصلی ایالات متحده بر سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران (۲۰۲۰-۲۰۰۷) فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۴۳-۲۳، (۴) ۱۶.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول.
- برزگر، کیهان؛ سیاست خارجی ایران از منظر رئالیسم تدافعی و تهاجمی، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۸.
- جوکار، مهدی، (۱۷ آذر ۱۴۰۳). ترامپ برای آمریکا و خاورمیانه چه خوابی دیده است؟، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در سایت: <https://www.irna.ir/news/85676121>
- حاتم زاده، عزیزاله، (۱۴۰۳). مهمترین اندیشکده‌های تأثیرگذار بر سیاست دولت ترامپ در قبال جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، قابل دسترسی در سایت: <https://risstudies.org>
- خبرگزاری تسنیم (۱۷ دی ماه ۱۴۰۳). روایت اندیشکده شورای آتلانتیک از راهبرد جدید آمریکا، قابل دسترسی در سایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/10/01/3223331>
- کلانتری، فاطمه، (۱۵ دی ۱۴۰۳). پیش‌بینی حرکت بعدی ترامپ در خاورمیانه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، قابل دسترسی در سایت: <https://www.irna.ir/news/85709090>
- کمالی، محمدحسین؛ بصیری، محمدعلی (۱۴۰۱). «تبیین اهداف کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای آن برای موازنه قدرت در غرب آسیا»، نشریه نظریه‌پردازی، ۱(۳)، صص ۲۱-۳۸
- موسوی، سید حامد؛ رضوی، سلمان (۱۳۹۹). «تأثیر اندیشکده‌های آمریکایی بر سیاست خارجی دولت ترامپ در قبال حضور منطقه‌ای ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، ۱۳(۴۸)، صص ۱۴۱-۱۰۹.
- نارین ام. ریپسمن، استیون ای. لایل، جفری دبلیو تالیافرو، (۱۴۰۲). کتاب واقع‌گرایی نئوکلاسیک: نظریه‌ای برای سیاست بین‌الملل، ترجمه علی‌رضا رضایی و محمدرضا صارمی، نشر قومس.
- نوکنده، بهادر، (۱۴۰۱). نقش اندیشکده‌های آمریکایی در تعیین سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، قابل دسترسی در سایت: <https://civilica.com/note/371>
- Djuyandi, Y, Brahmantika, S. G. S , & Tarigan, B. R. (2021). The collapse of global governance: when the US leaves the joint comprehensive plan of action (JCPOA). Society, 9(2), 504-521. doi: 10.33019/society.v9i2.304.
- Rose, G. (1998). Neoclassical realism and theories of foreign policy. World politics, 144-172.
- Secretary Statements & Remarks, (May 8, 2018) Statement by Secretary Steven T. Mnuchin on Iran Decision, Available at: <https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0382>.
- Taliaferro, Jeffrey, (2009); neoclassical realism, the state, and forein policy, cambrige university press, p7.

Research Article

The possible approach of the second Donald Trump administration against the Islamic Republic of Iran: analysis and predictions

Hossein Hemmati ¹

Date of received: 2024/08/10

Date of Accept: 2024/09/10

Abstract

The US policies against the Islamic Republic of Iran during the presidency of Donald Trump were influenced by the "maximum pressure" approach. Maximum pressure was based on extensive economic sanctions, reduced diplomatic interactions and strengthening anti-Iranian coalitions at the international level. This article analyzes and predicts the possible approach of the second Trump administration (May 2024). The main question of this realization is that, given the previous policies of the Trump administration and domestic and international developments, what approaches can the second Trump administration now pursue against the Islamic Republic of Iran? The main hypothesis of this article is that the second Trump administration will likely continue policies similar to the first administration against Iran especially in the areas of sanctions, maximum pressure and limiting diplomatic agreements but given the new regional and global conditions, strategic and tactical changes in these policies are also likely. This research aims to predict the future approaches of the US administration against Iran by comprehensively examining the factors affecting policymaking in this area. In this regard, the previous policies of the US government, the opinions and analyses of think tanks influencing the country's foreign policy, relevant regional and international developments as well as domestic variables in Iran and the US are analyzed. Here the research method is qualitative (analytical) and various library sources, articles, websites, etc are used.

Keywords: America, Islamic Republic of Iran, Trump's second administration, maximum pressure policy.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Hemmati, Hossein (Winter 2025). "The possible approach of the second Donald Trump administration against the Islamic Republic of Iran: analysis and predictions". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 7, Num. 4, S.No. 28, pp. 145 - 172.

¹. PhD in Political Science, Islamic Azad University, Hamedan branch, Hamedan, Iran.
Email: h.hemmati96@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Barzegar, Kayhan (2009). *Iran's Foreign Policy from the Perspective of Defensive and Offensive Realism*, *International Quarterly of Foreign Relations*, Year 1, Issue 1. (in Persian)
- Barzegar, Kayhan; *Iran's Foreign Policy from the Perspective of Defensive and Offensive Realism*, *International Quarterly of Foreign Relations*, Year 1, Issue 1, Spring 2009. (in Persian)
- Djuyandi, Y, Brahmantika, S. G. S , & Tarigan, B. R. (2021). The collapse of global governance: when the US leaves the joint comprehensive plan of action (JCPOA). *Society*, 9(2), 504-521. doi: 10.33019/society.v9i2.304.
- Ejazi, Ehsan, Ghorbani, Arsalan, Simber, Reza, and Jansiz, Ahmad. (2010). *The Impact of the Mainstream Media of the United States on American Foreign Policy Towards Iran (2007-2020)* *Quarterly of International Studies*, 16(4), 23-43. (in Persian)
- Hatamzadeh, Azizalah, (2009). *The most important think tanks influencing the Trump administration's policy towards the Islamic Republic of Iran*, *Institute for Strategic Studies*, available at: <https://risstudies.org>
- Jokar, Mehdi, (2004). *What Has Trump Dreamed for America and the Middle East?*, *Islamic Republic of Iran News Agency*, available at: <https://www.irna.ir/news/85676121>. (in Persian)
- Kalantari, Fatemeh, (15 Jan 1403). *Predicting Trump's next move in the Middle East*, *Islamic Republic News Agency*, available at: <https://www.irna.ir/news/85709090>. (in Persian)
- Kamali, Mohammad Hossein; Basiri, Mohammad Ali (1401). "Explaining the goals of the maximum pressure campaign against the Islamic Republic of Iran and its consequences for the balance of power in West Asia", *Theory Journal*, 1(3), pp. 21-38. (in Persian)
- Mousavi, Seyyed Hamed; Razavi, Salman (2019). "The Impact of American Think Tanks on the Trump Administration's Foreign Policy Towards Iran's Regional Presence", *Security Horizons Quarterly*, 13(48), pp. 109-141. (in Persian)
- Narin M. Ripsman, Steven A. LaBelle, Jeffrey W. Taliaferro, (2010). *Neoclassical Realism: A Theory for International Politics*, translated by Alireza Rezaei and Mohammadreza Saremi, Qoms Publishing.
- Nokandeh, Bahadur, (2011). *The Role of American Think Tanks in Determining the Foreign Policy of the United States of America Towards the Regional Influence of the Islamic Republic of Iran*, available at: <https://civilica.com/note/371>. (in Persian)
- Rose, G. (1998). *Neoclassical realism and theories of foreign policy*. *World politics*, 144-172.
- Secretary Statements & Remarks, (May 8, 2018) *Statement by Secretary Steven T. Mnuchin on Iran Decision*, Available at: <https://home.treasury.gov>
- Taliaferro, Jeffrey, (2009); *neoclassical realism, the state, and foreign policy*, cambridge university press, p7.
- Tasnim News Agency (1 Dari 1403). *The Atlantic Council's account of the new US strategy*, available at: <https://www.tasnimnews.com>. (in Persian)

